

اصلاح خلیقات نامبارک

یوسف ناصری
گفت و گو با فریدون مجلسی، نویسنده



کشور ما ایران در گذشته تمدنی عظیمی و جهانی را در کنار چند تمدن دیگر جهان بنیاد نهاده بود ولی امروز به عنوان کشوری در حال توسعه و گذار به حساب می آید. ولی تحقق توسعه که امروزه از آن نام برده می شود به درازنای تاریخ گذشته بر کشور ما سبب می کند، کشور خود را به سمت آبادانی و پیشرفت سوق دهد.

پس می توان عامل توسعه نیاختگی کشورمان را در خلق وضعی خودمان جست و جو کنیم. خلق و خوئی که دلیل آن شده به نظام های استبدادی عطف می دهند که در ازادانی تاریخ گذشته بر کشور ما سبب می باشد.

سید محمدعلی جازاهه نویسنده ایرانی نیز بر این باور است که: افراط و تفریط و تعصب و بی انصافی دردی را دوا نمی کند. ما باید اعتراف کنیم که ایرانیان هم مانند همه مردم دنیا ترکیب و مجعونی هستند از خوبی و بدی و زشتی و زیبایی، و گفت و گوئی هم که با فریدون مجلسی خودمان، نویسنده و مترجم داشتیم تلاش شد مثل عواملی که منشأ برخی از خلیقات منفی ما است، تشریح کنیم و در چند مورد دلایل برخورد و قطعی افراط و تفریطی و یا به صورت شیفناکی - خودستایی ایرانیان نسبت به شخصیت های برجسته ایرانی بررسی شود. مجلسی ضمن پذیرش این که برخی از خلیقات ما می تواند مانع توسعه باشد و با افزایش بی باستی و خودی ایرانیان، خلیقات را بدبختی و ناامیدی از این خلیقات، خصولتی فطری نماند و با افزایش سطح تحصیلات ایرانیان و گسترش فرهنگ دینی جامعه، نسبتی کم تر ما به توسعه امری کاملاً قابل دسترسی است. این گفت و گو به یوسف ناصری می آید.

در جامعه ما از زبانی های که توسط یک فرد یا گروه های مختلف تولید می شود، فرهنگ و شخصیت های تاریخی، اجتماعی و فرهنگی ما صورت می گیرد، معمولاً با افراط و تفریط و نوع و نوع برخورد با طیف های دوستی - دشمنی، شیفتگی و خودمستی با عشق - نفرت قرار می گیرد. آیا یک جامعه که دوستی و نوع وضعیت خود را بهبود بخشید نیاستد یا از این نوع نگرش های دو قطبی بیگانه گردد؟

ما در ابتدا نباید توجه داشته باشیم که در برخورد با این ساله داد بدینیستی شیعیان دموکراسی آزادی و آزاداندیشی در کشور ما یک کیفه ظاهر شده و شاید در هیچ جا به نتیجه غایی و مطلوب نرسیده است. ما اگر به گونه ای در این قضایا نگاه کنیم می توانیم ببینیم که در برخی موارد نسبت به تواتر توسعه یافته به موفقیت مناسبی دست نیافته ایم و نسبت به بسیاری از کشورهای جهان هم در وضعیت پستی قرار داریم. مشکلات ما به ریشه تبار طوفانی نظام های دیکتاتوری بر می گردد و اصولاً ما در تاریخ گذشته کشورمان، نظام های دموکراتیک را تجربه نکرده ایم. به تدریج همه مردم ایران هم مانند ما دچار آن نوع دموکراسی در آزادی قدرت شویم. در گذشته، همواره کسی که بر قدرت قرار می گرفته، اراده خود را بر سر هر کس تحمیل می کرد. این نوع رفتار خود به بخود برهان بد نیست به فرزندانش تعلق یافته و در واقع رفتار بد نیست به فرزندانش رویش و از رفتار سلطانی و والی و رئیس قبیله بوده است. پدر هم منتظر همان اجتر آدمی است از فرزندانش دارد که او نسبت به مقام بالاتر نشان می دهد. یک رئیس اداره و موسسه هم بدون این که توجه داشته باشد مسؤولیت او فقط همانست که در این سامانه تحت مدیریت او است، می خواهد تسلط قدرت خود را بر کارمندان آن موسسه تثبیت کند. در ادارات یا مؤسسات اگر کارمندی تشخیص دهد برخی مسؤولان است ایجاد شده و به مصلحت و مطابق اهداف آن سازمان نیست و سازمان این موارد را تذکر دهد، رئیس آن مسؤولان تذکر استناد و حتی اختلاف می آید و مخالفت و در این عنوان توهمین به خلق تلقی می کند. چون در کشور ما موسسه به جهان خودی تبدیل پذیرد افراد این نهاد است و به صورت بیمازگونی، بی رونق استناد و منزلت اهانت به شمار می آید.

در حالی که در جوامع توسعه یافته، اقتدار کردن نوع خودی و فاجعه و اهانت تلقی نمی شود کسی هم که در این کشورها بر استناد اساسی و رقابتی وارد اختیاراتی برای مدت قدرتی قدرت را به دست می گیرد، امتیازات هم به قدرتی نیست و سبب و موجد دولتی اهمیت خودی خود تولید نمی کند. ما وقتی به صورت افراط و تفریط تاریخی خودمان را بررسی می کنیم، باید نتیجه بگیریم که تمام پدران ما، مردمی خائن، ناپاکی و بی شعور بودند ولی در حقیقت اینگونه نیست. در سده های

گذشته وقایع و جنگ های رخ داده که موجب ورود افراط و تفریط شد و در نهایت ما دچار وضعیتی شدیم که بهتر از این هم نمی توانستیم باشیم. در دوران حکومت صفوی مثلاً فرش ایران به اروپا صادر می شد و مردم ما به یک برافه نسبی دست پیدا کردند و اتفاقاً منافع رفاه ایران نیز بر این بالا رفته بود که در سیماد (تایلند امروزی) بازارگانان ایرانی مفتی اعظم ایران توانستند به مدت ۵۰ سال صادرات و وزارت دوره سلطنت شاه سلطان صفوی در دوران انحطاط اقتصادی و سیاسی کشور ما فراسید و اعتماد به نفس ما نیز تصفیه شد و تا سال (۱۸۲۸) یعنی زمان انعقاد قرارداد ترکمنچای بین روسیه تزاری و ایران در جنگ های متعددی در گرفت. هنوز انصافی فراراد گلستان (۱۸۲۲) خشک نشده بود که با فتوی ملاحه تهرانی و ششک جنبه ناموسی دادن به وضعیت مسلمانان در قفقاز، مردم ایران تحریک شد که در نهایت با شکست سپاه ایران، قرارداد ترکمنچای منعقد شد. در این دوره ۱۰۶ ساله، آرامش و آسایش از کشور سلب شده بود. در جنگ های ایران و روسیه بود که حتی جگ های سی را ذوب و از آن توب مردمی می کردند و به شدت در عرصه تجارت و صنعت ضعف پیدا کرده بودند. رفیقای که صنعت دولتی نظمی در اصفهان یعنی پایتخت صفویان بود و در مرکز برای طراحی و تربیت اطراف و نقاشان ایجاد کرده بودند، فرار اول شده و در حال نظام اقتصادی ما به تعطیل شده و در نتیجه آن فرهنگ جامعه نیز دچار نقصان شد. زمان امیرکبیر، یک تحول جدید ایجاد شد که آن هم پیامدهای خاصی خود را داشت.

در بررسی تاریخی کشور، عباس میرزا و آلبهده قاجاری و پیشرو نوگرایی ایران معاصر معرفی کرده اند و این ذات به شدت به ما متعلق شده و در نتیجه آن فرهنگ جامعه نیز دچار نقصان شد. زمان امیرکبیر، یک تحول جدید ایجاد شد که آن هم پیامدهای خاصی خود را داشت. در بررسی تاریخی کشور، عباس میرزا و آلبهده قاجاری و پیشرو نوگرایی ایران معاصر معرفی کرده اند و این ذات به شدت به ما متعلق شده و در نتیجه آن فرهنگ جامعه نیز دچار نقصان شد. زمان امیرکبیر، یک تحول جدید ایجاد شد که آن هم پیامدهای خاصی خود را داشت. در بررسی تاریخی کشور، عباس میرزا و آلبهده قاجاری و پیشرو نوگرایی ایران معاصر معرفی کرده اند و این ذات به شدت به ما متعلق شده و در نتیجه آن فرهنگ جامعه نیز دچار نقصان شد. زمان امیرکبیر، یک تحول جدید ایجاد شد که آن هم پیامدهای خاصی خود را داشت.

در بررسی تاریخی کشور، عباس میرزا و آلبهده قاجاری و پیشرو نوگرایی ایران معاصر معرفی کرده اند و این ذات به شدت به ما متعلق شده و در نتیجه آن فرهنگ جامعه نیز دچار نقصان شد. زمان امیرکبیر، یک تحول جدید ایجاد شد که آن هم پیامدهای خاصی خود را داشت.

در بررسی تاریخی کشور، عباس میرزا و آلبهده قاجاری و پیشرو نوگرایی ایران معاصر معرفی کرده اند و این ذات به شدت به ما متعلق شده و در نتیجه آن فرهنگ جامعه نیز دچار نقصان شد. زمان امیرکبیر، یک تحول جدید ایجاد شد که آن هم پیامدهای خاصی خود را داشت.

در بررسی تاریخی کشور، عباس میرزا و آلبهده قاجاری و پیشرو نوگرایی ایران معاصر معرفی کرده اند و این ذات به شدت به ما متعلق شده و در نتیجه آن فرهنگ جامعه نیز دچار نقصان شد. زمان امیرکبیر، یک تحول جدید ایجاد شد که آن هم پیامدهای خاصی خود را داشت.

جامعه مقدم می باشد، و این گفته را برتو واتسن جهانگرد اروپایی، یک فرد ایرانی حاضر است که منافع کشور خود قدی بردارد. من نمی گویم عباس میرزا حق را در ارتکاب خطا نداشته. بلکه سواد من این است که چرا ما شخصیت های تاریخی خود را فراموش کرده ایم؟

انتقاد شما بجا و درست است. شاید عباس میرزا فکر کرده حلال که مسؤولیت جنگ به عهده گرفته و مجبور شده بود. شاید بدبختی خفی هم برای خودش قائل بود. اگر عباس میرزا فدائاری می کرد و این حق را برای خود قائل نمی شد و به صورت یک سند در تاریخ ایران ماندگار نمی شد، بهتر بود. اما در نظر داشته باشیم که مجموعه منافع شخصی است که منافع جمع را تشکیل می دهد و اشخاص از منافع عمومی تا آنجا حمایت می کنند که از منافع مشروع آنها در تضاد نباشد و جامعه نیز، مقدس بودن منافع مشروع افراد را بر سببیت شناسد. باید اضافه کنیم که همان تکث دوگونی در فراسوی در زمانی به ایران آمده که دلیل شده و شکست خورد بود و قاضی را هم که در کشور ما دیده در همان کشور فرانسه هم رخ داده است و متأسفانه قضاوت او بر سبب اصول و مبنای دقیق و صحیحی نیست.

برخی از نظر های جهانگردان اروپایی عصر جدید و با حتی قبیل تر از آن درباره خلیقات ما، در مقطع کنونی هم صدق می کنند و می توان آنها را با واقعیت های جامعه امروز تطبیق داد. مثلاً آیین من مارسلین مورخ فرانسوی قرن هجدهم میگوید: «ایرانیان، این نیهات بی حمت و سوسلطنی، بسبب سرگود خودستایی هستند. حال ما چگونه می توانیم این خلیقات منفی را اصلاح کنیم؟»

در این قرن بیستم و یکصد و سی و سی ساله، جنبه علمی پیدا کرده و روشناسی ها و تحلیل های اجتماعی انجام شده است. ما دیگر در وضعیتی قرار نگوییم که یک نفر بیاید و یک نسخه را ارائه دهد و بگوید این نسخه من است، اصلاً دوره این نسخه ما سپری شده است. اعتقاد دارم در موقیبت مناسبی قرار می گیریم و می توانیم به مشکلات خود غلبه کنیم. حتی اگر ما نخواهیم، جهشی شدن جواب همه اینها را خواهد داد. آنقدر دموکراسی یک امر جهانی شده و دوران گذار ما مانند اروپا مثلاً ۵۰ سال طول نخواهد کشید. همه کونی هستند که وسایل ارتباطی جدید به سرعت و با قدرت و با خود ما و افکار و اوضاع دیگران می اطلاع نخواهند کسی که از تلقن، ماشین و اینترنت استفاده می کند، نمی تواند بیگردد. من از جهان فضا، به عمل یک ایرانی صاحب ماشین را که از چراغ قرمز به راحتی رد می شود، چگونه توجیه می کنید؟

شما اگر مردم کشورهای تازه تاسیس مثل ایران متحده عربی و کویت را ببینید که تا حدودی این صورت اصلاحی طی کردند. علمای ما هم میانه این فرهنگ غربی را بود که بر ایران حاکم شد و با آن دید غربی که تصور می کرد که تمام مملکت متعلق به او است. در طرف مقابل هم افرادی بودند که با گونه ها وسعید به اوضاع نگاه می کردند و به احکامات و قوانین او و تحریک می کردند. متأسفانه ما هیچوقت به میانه روی توجه نکردیم. در جامعه ما هر روز و سازندگان یک نوع اندیشه می تلقی می شود. در حالی که سازندگان این فرهنگ و گفت و گو با مردم ما خود را از تعریف و وضیبت خود را بیخود ببخشیم. ما در این عرصه عمل کنیم، حداکثر منافع را می توانیم کسب کنیم. ما اکنون ما نیاز داریم به تمدن اصلی شهری ایرانی خودمان مانند تمدنی که حافظ سعدی و ابوعلی سینا را پرورش داده و برگردیم. در این فرهنگ تمدن است که حتی بسیار بر سبب است. ما را نمی توانیم کسب کنیم. در این نوع فرهنگ است که ما را نمی توانیم کسب کنیم. در این نوع فرهنگ است که ما را نمی توانیم کسب کنیم. در این نوع فرهنگ است که ما را نمی توانیم کسب کنیم.

در صورت دور و دور ما سبب است که این فرهنگ تمدن نیست خطر را در درجه اول متوجه می باشد. چرا این مشکلات در جامعه ما وجود دارد؟

در صورت دور و دور ما سبب است که این فرهنگ تمدن نیست خطر را در درجه اول متوجه می باشد. چرا این مشکلات در جامعه ما وجود دارد؟

این اتفاق در این مورد، وقتی که اشتباهه ما به علت و پستی بیش از حد تعصب و ایستادگی بیش از اندازه در مقابل بر اصول و نظر، احتمال وقوع خرد شدت یافت و بالاخره حکومت با کودتا ساقط یافت.

متأسفانه در این مورد، وقتی که اشتباهه ما به علت و پستی بیش از حد تعصب و ایستادگی بیش از اندازه در مقابل بر اصول و نظر، احتمال وقوع خرد شدت یافت و بالاخره حکومت با کودتا ساقط یافت.

متأسفانه در این مورد، وقتی که اشتباهه ما به علت و پستی بیش از حد تعصب و ایستادگی بیش از اندازه در مقابل بر اصول و نظر، احتمال وقوع خرد شدت یافت و بالاخره حکومت با کودتا ساقط یافت.

متأسفانه در این مورد، وقتی که اشتباهه ما به علت و پستی بیش از حد تعصب و ایستادگی بیش از اندازه در مقابل بر اصول و نظر، احتمال وقوع خرد شدت یافت و بالاخره حکومت با کودتا ساقط یافت.

متأسفانه در این مورد، وقتی که اشتباهه ما به علت و پستی بیش از حد تعصب و ایستادگی بیش از اندازه در مقابل بر اصول و نظر، احتمال وقوع خرد شدت یافت و بالاخره حکومت با کودتا ساقط یافت.

متأسفانه در این مورد، وقتی که اشتباهه ما به علت و پستی بیش از حد تعصب و ایستادگی بیش از اندازه در مقابل بر اصول و نظر، احتمال وقوع خرد شدت یافت و بالاخره حکومت با کودتا ساقط یافت.

متأسفانه در این مورد، وقتی که اشتباهه ما به علت و پستی بیش از حد تعصب و ایستادگی بیش از اندازه در مقابل بر اصول و نظر، احتمال وقوع خرد شدت یافت و بالاخره حکومت با کودتا ساقط یافت.